

دهیله‌کجا

نشریه آموزشی - اطلاع رسانی - ترویجی

سال دوم • شماره ۷ • اردیبهشت ماه ۱۳۸۳

• دهیاران و امنیت ملی

• تأمین اجتماعی در روستا

• نقش حرف در نظام حقوقی دهیاری‌ها

• ۱۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای دهیاری‌ها

• آشنایی با مشاهیر اقتصاد روستایی

• گزارشی از خانه فرهنگ دماب

• زیاده روستایی، چالش‌ها و راهکارها



«آینده از آن مردمی است که گذشته خود را می‌شناسند» و «ما ادامه گذشتگانمان و بخشی از آیندگانیم» این جملات زینت بخش کارزار دعوت به نامه گشایش «خانه فرهنگ دمااب» است گزارش آن را با هم می‌خوانیم.

گزارش از خانه فرهنگ دمااب



رجیسی بخاریپور
کارشناس ارشد جغرافیای انسانی



کلیانگان و ۴۰ کیلومتری خوانسار در منطقه‌ای بین این سه شهر قرار دارد. از لحاظ تقسیمات کشوری روستای دمااب در استان اصفهان، بخش مهر دشت شهرستان نجف آباد، واقع شده است. خانه فرهنگ دمااب با هدف ایجاد شرایط فرهنگی مناسب ترم افزایش آگاهی‌های عمومی و احیا و حفظ هویت تاریخی روستا در منطقه به وجود آمده است. در پی این هدف خانه فرهنگ دمااب با

این خانه فرهنگ یا بخش‌های اصلی موزه مردم‌شناسی و کتابخانه در روستای تاریخی دمااب با حضور مسئولان، مقامات محلی و شخصیت‌های فرهنگی در صبح روز پنجشنبه ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۲ توسط یکی از رئیس سفیدان آبادی گشایش یافت.

روستای دمااب با ۲۷۰ خانوار (۱۳۰۰ نفر) جمعیت در شمال غربی اصفهان و در فاصله صد کیلومتری شهر نجف آباد، ۶۰ کیلومتری شهر

خانگی فرهنگ دمااب



موزه شامل ۲۰۰ قطعه در دو بخش اسناد و اشیا است که در دالان ورودی و اتاق قدیمی سامان گرفته است. برای برخی از اشیا نیز امکان نمایش آنها در حیاط مجموعه ممکن شده است

راهکارهای مشخص آموزش، اطلاع رسانی، فراهم آوردن امکانات پژوهش، تعالی بخشیدن به روح و فکر، ایجاد و حفظ آثار و فرهنگ تاریخی منطقه، در نظر گرفتن بافت روستای دماپ و روستاهای همجوار و همچنین نیازهای مردم منطقه، سه هدف کلی زیر را دنبال می کند:

- ارتقاء سطح فرهنگ
- افزایش میزان آگاهی
- احیای هویت تاریخی و فرهنگی منطقه

این مرکز فرهنگی شامل سه بخش کلی کتابخانه، موزه مردم شناسی و اتاق نمایش فیلم به همراه تجهیزات کمک آموزشی است.

پیشینه ساخت

پیشینه ساخت خانه فرهنگ

قدیمی روستا گردآوری شد. تغییرات اجتماعی یک دهه بعد در روستا موجب شد تا انگیزه ایجاد خانه فرهنگ در گروهی از علاقمندان ریشه گیرد و به تدریج تعداد زیادی اشیا تاریخی و همچنین کتاب برای کتابخانه گردآوری شود و بالاخره در سال ۱۳۸۰ عملیات طراحی و ساخت بنای آن در قلعه درویش بیک آغاز شد. مساحت این خانه فرهنگ ۵۰۰ متر مربع و زیربنای بخش های مختلف آن ۲۰۰ متر مربع است. ثبت دو اثر تاریخی روستا «قلعه علی احمد» از دوره قاجاریه و

دماپ به سال ۱۳۶۷ و انجام مطالعات مردم نگاری روستا باز می گردد که در حین انجام این مطالعات، بخشی از اشیا و اسناد



تغییرات اجتماعی
یک دهه اخیر در
روستا موجب شده
است تا انگیزه ایجاد
خانه فرهنگ در
گروهی از علاقمندان
ریشه گیرد و به
تدریج تعداد زیادی
اشیا تاریخی و
همچنین کتاب برای
کتابخانه گردآوری
شود



«قلعه سنگ» از دوره پیش از اسلام) در فهرست آثار ملی کشور از سوی سازمان میراث فرهنگی، اقدام دیگری بود که ایجاد خانه فرهنگ را پر اهمیت تر نمود.

هداوند، بخشدار مهردشت، در مراسم افتتاحیه خانه فرهنگ دماب گفت در استان اصفهان، افتخار فعالان طرح این است که تنها خانه فرهنگ استان را افتتاح کردند. هداوند ادامه داد که خانه فرهنگ دماب آزمایشگاه عظیم و رایگانی برای روستاهای اطراف است و ابراز امیدواری کرد که این مکان به عنوان الگو مورد توجه قرار گیرد.

بخش های خانه فرهنگ

موزه مردم شناسی

با توجه به قدمت تاریخی روستای دماب و وجود دو قلعه و

یک کاروانسرای تاریخی در این روستا و همچنین در جهت ایجاد هویت فرهنگی برای ساکنان آن، یک موزه مردم شناسی که شامل اشیاء قدیمی، ظروف، پوشاک و دست نوشته ها و برخی اسناد به دست آمده از افراد ساکن در روستاست، در نظر گرفته شده است.

موزه شامل ۲۰۰ قطعه در دو بخش اسناد و اشیا است که در دالان ورودی و اتاق قدیمی سامان گرفته است. برای برخی از اشیا امکان نمایش آنها در حیاط مجموعه ممکن شده است. اشیای این بخش در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ در روستا گردآوری شده اند. بر اساس توافق های انجام شده با میراث فرهنگی کشور، قرار است که در آینده نزدیک «خانه موزه

دماب» در یکی از خانه های قدیمی روستا ایجاد و تجهیز شود تا به شکلی مناسب معرف هویت تاریخی و فرهنگی کل منطقه باشد.

کتابخانه

کتابخانه خانه فرهنگ شامل قسمت های زیر است:

● بخش امانت

● بخش کودکان، مخصوص

دبستان

● بخش نوجوانان، مخصوص

دوره راهنمایی و دبیرستان

● بخش بزرگسالان، مخصوص

بزرگسالان باسواد و نوسواد

کتاب های بخش امانت با توجه

به ویژگی ها، توانایی ها و نیازهای

مخاطبان در زمینه کتاب های

داستان، علمی، تاریخی و . . .

انتخاب شده است و سیستم

کتابخانه به صورت قفسه باز است.

مراجعه کنندگان با مراجعه به کتابهای قفسه، راهنمایی کتابداران و یا از طریق رایانه و برگه دان، کتاب مورد نظر خود را انتخاب کرده و می توانند کتاب را به امانت گرفته و یا در سالن مطالعه کنند.

همچنین بخش مرجع که شامل ۱۲۰ جلد کتاب است، پاسخگوی

نوجوانان و بزرگسالان جهت گسترش افق فکری آنان جمع آوری شده است. این نشریات در ۱۰ عنوان و درباره موضوعات متنوع تهیه شده و مشوق افراد در مراجعه مداوم به کتابخانه می باشد.

فیلم خانه

این بخش با هدف فراهم

خانه علم

گرفته شده است، مشتمل بر ۱۵ حلقه فیلم آموزشی و سینمایی، ۵۰ عدد نوار کاست در زمینه های مختلف، نقشه جهان، ایران و استان ها، تعدادی مولاژ بدن انسان و یک کره جغرافیایی است.

شامل بخشی از لوازم و تجهیزات علمی است که مکمل آموزش های رسمی در مدارس روستا و روستاهای همجوار خواهد بود. این بخش به مرور زمان با ابزار بیشتری تجهیز خواهد شد.

بخش رایانه

بخش رایانه امکان دسترسی همگان را به آموزش های جدید شبکه اینترنت به صورت آزاد فراهم خواهد ساخت. این بخش با سه دستگاه رایانه و لوازم جانبی تجهیز شده است. در این بخش یک دستگاه رایانه، مخصوص کودکان و نوجوانان است که به کار با آن و همچنین استفاده از سی دی های موجود در کتابخانه می پردازند.

کار ساخت خانه فرهنگ دماب با همت حدود صد نفر و کار شبانه روزی ۱۰-۱۵ نفر شکل گرفته است. شهرداد میرزایی که به عنوان مسئول هماهنگی طرح نقش چشمگیری در راه اندازی خانه فرهنگ دارد، در مراسم افتتاحیه چنین گفت:

«بسیاری از افرادی که با ما



پرسش های افراد مراجعه کننده و حاوی اطلاعات مربوط به موضوع های خاص است که کودکان و نوجوانان را در انجام تحقیق و پژوهش های آموزشی یاری می کند. کودکان و نوجوانان با استفاده از این نوع مواد کتابخانه ای شیوه بهره گیری از منابع اطلاعاتی را نیز فرامی گیرند. در بخش نشریات، نشریات ادواری مناسب ویژه کودکان،

ساختن نمایش دوره ای آثار آموزشی و مستند مناسب برای علاقمندان طراحی شده و دارای امکانات دیداری- شنیداری مانند ویدیو و تلویزیون است که در دوره های مشخصی از هر هفته به نمایش فیلم خواهد پرداخت. این بخش که به منظور آموزش مراجعه کنندگان، به ویژه کودکان و نوجوانان و تشویق آنها به مراجعه و استفاده از خانه فرهنگ در نظر

صحبت می کردند، ما را ناامید می کردند. آنها می گفتند مگر چند نفر در اینجا زندگی می کنند؟ مگر چند بچه در اینجا هست؟ چرا این سرمایه باید اینجا مصرف شود؟ این «چرا» برای ما سوال بزرگ و مهمی بود. من فکر می کنم که در خلال سه بند بتوانم به این چرا که خیلی چرای بزرگی است پاسخ دهم:

نکته اول- دولت در خلال یک تا دو دهه قبل تلاشهای زیادی کرده است: برای روستاها آب آورده، برق آورده، تلفن آورده، جاده کشیده، داخل کوچه ها را آسفالت کرد و الان به فکر کشیدن گاز هستند، اما هیچکدام از این اتفاقات باعث نشد که مهاجرت از روستا کم شود و یا احساس تعلق به روستا حفظ شود. از طرف دیگر با انجام این کارها، حتی در بعضی مواقع، روستائیان ما که قبلا همه مشکلاتشان را خودشان حل می کردند، به چیزهای جدیدی مثل یخچال، فریزر، ایزوگام و خیلی چیزهای دیگر وابسته شده اند. این اتفاق به اعتقاد من نتیجه برنامه ریزی متمرکز و همچنین تزریق نفت است به جسم روستاها که نیازهای دیگری دارند. برای اینکه اقتصاد در داخل منطقه تعریف نشده است. برنامه ریزی منطقه ای وجود ندارد. از مرکز کشور، از مرکز

استان تصمیم می گیرند که چکار بکنیم. این که در حواشی چه اتفاق می افتد مهم نیست. بنابر این آنچه در چنین منطقه ای لازم است، ایجاد شغل است، ایجاد کار است، قبل از این که ما به تأسیسات و زیر ساخت ها برسیم، نیازمند کار و شغل هستیم، ما برنامه ریزی

می کنند، از حداقل توانایی های برای زندگی برخوردار باشند و دست کم شهروند درجه دو نباشند و در گاراژها و محلات حاشیه شهرهای بزرگ به کارهای سطح پایین پردازند.

نکته دوم- به خاطر دارم که در دهه ۵۰ هنوز بازی های محلی در



منطقه ای و محلی لازم داریم. برای ایجاد کار که برنامه ریزی خاصی انجام نشد، در این روستا چنین امکانی نداشتیم که کارخانه ای ایجاد کنیم یا جذب سرمایه نماییم، اگر چه تلاش خودمان را برای هدایت سرمایه کردیم و به نتیجه نرسیدیم. اما امکان دیگری داشتیم و آن این که ما بتوانیم دانش آموزان و نوجوانان خلاق را پرورش دهیم که اگر اینها به شهرها مهاجرت

میان جوانان و نوجوانان بسیار رایج بود، در دهه ۶۰ جوانان روستا برای تفریح در آخر هفته با ورق بازی خودشان را سرگرم می کردند و الان که دهه ۸۰ است، برخی از جوانان این روستا برای تفریح از مواد مخدر استفاده می کنند. این جایگزینی چرا اتفاق افتاده است؟ ما به دنبال یک انقلاب فرهنگی بودیم. ما باید مواد مخدر را از نوجوانان می گرفتیم و کتاب و قلم

به دستشان می دادیم. ما باید جوانان را از پلکان فرهنگی بالا می بردیم. اما این فرایند، در روستای ما چندان موفق نبوده است و این نکته دومی بود که ما را به انجام این کار تشویق کرد.

اما نکته سوم بحث هویت است. شما نمونه هایی از اسناد را در داخل موزه کوچک مردم شناسی این مجموعه دیدید. گفتمان شهری ها و روستایی ها گفتمانی است که کاملاً عوض شده است شما اگر به این اسناد مراجعه کنید می بینید که فرمانده فوج حکومتی که در ۵ کیلومتری روستا اتراق کرد، خطاب به مردم دماب این طور می نویسد: «عموم اهالی دماب و کدخدای دماب را معروض می دارد، ابدأ تشویش نکنید...» در نامه دیگری، رئیس استیناف اصفهان می نویسد: «جناب آقای میرزا نصرالله خان (که در واقع کدخدای وقت دماب بوده است) شرحی را که در موضوع دعوی امیراکرم بختیاری نوشته بودی واصل گردید» امیراکرم بختیاری در آن زمان نفر اول قدرت در اصفهان نبوده باشد نفر دوم بود. یعنی یک کدخدای روستا می توانست اقامه دعوا بکند علیه نفر دوم استان و استیناف استان پاسخش را با لحن محترمانه ای بدهد.

من امروز گفتمان شهری ها و روستایی ها را گفتمان تحقیر آمیزی می دانم. اغلب به نظر می رسد که در این گفتمان تلقی این است که روستاییان شهروندان درجه دوم این کشور هستند. ما نیازمند این هستیم که روستاییان امروز ما با دیدن همین چیزهای ارزشمندی که دارند و دانستن همان نکات ارزشمندی که در روستای خودشان و پدرانشان و بزرگانشان بوده و اینکه پدر بزرگانشان با هم ترازوی با یک شهری صحبت می کردند، هویت گمشده خودشان را پیدا کنند. این انقطاع فرهنگی را میانبر بزنند و برگردند و به شرایطی برسند که احساس کنند ما می توانیم، پس انجام می دهیم، پس بیشتر خواهیم آموخت. همه ما به نظر من نیازمند این هستیم که قبل از اینکه بحث محیط زیست را بکنیم، بحث فرهنگ را بکنیم، لازم است به آنجایی که در آن زندگی می کنیم احساس تعلق کنیم. احساس کنیم که این روستا مال من است، پس تمیز باید باشد، پس زیبا باید باشد، پس درخت باید داشته باشد. این مهر دشت مال من است، این استان مال من است، این کشور مال من است، این جهان

مال من است. هیچ چیزش فرقی نمی کند. احساس تعلق به آنجا که در آن زندگی می کنیم با اهمیت ترین چیزی است که می تواند جهان ما را از خطرات انسانی، از انحرافات انسانی چه در بخش طبیعی و چه در بخش فرهنگی حفاظت کند. در پایان باید از نهادهایی یاد کرد که در طرح ایجاد خانه فرهنگ دماب همکاری داشتند. نهادهایی چون:

انتشارات فاطمی، انتشارات فرهنگان، انتشارات کارگاه کودک، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، بنیاد دانش و هنر، بنیاد یادگارهای فرهنگی، پخش پویای معین، پخش سرزمین، پخش گزیده، چاپ درخشان، خانه ادبیات، سازمان مناطق گردشگری، سازمان میراث فرهنگی کشور، سیمان دورود، شرکت پارس آذرخش، شهر کتاب ابن سینا، شورای کتاب کودک، کانون آگهی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مهندسان مشاور بافت شهر، موسسه کودکان دنیا، نشر افق، نشر چشمه، نشر خانه ادبیات، نشر ققنوس، نهضت سوادآموزی و هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور.